

بحث پیرامون جرایم در حکم کلاهبرداری

وحید نکونام

استادیار دانشگاه آزاد قم

چکیده

در کنار جرم کلاهبرداری که در حال حاضر در ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین جرم کلاهبرداری پیش بینی شده است؛ مواردی وجود دارد که قانون گذار به دلیل شرایطی چون عدم تطبیق فعل ارتكابی با عناصر جرم کلاهبرداری، افعال مجرمانه ای را در حکم کلاهبرداری دانسته و یا مجازات عمل را به ماده کلاهبرداری ارجاع داده است. در این موارد بحث ها و ابهاماتی وجود دارد که در این مقاله به بررسی آنها می پردازیم.

واژه‌های کلیدی: کلاهبرداری، جرایم علیه اموال، نسخ، حکم.

مقدمه

جرم کلاهبرداری^۱ در زمره جرایم علیه اموال است و از منظر جرم‌شناسی جرم «یقه سفید»^۲ محسوب می‌شود. از دیدگاه اسلام نیز کلاهبرداری را می‌توان جزء جرایم تعزیری و نوعی «اکل مال به باطل» محسوب کرد. در متون فقهی کلاهبرداری تحت عنوان «احتیال» مطرح شده است و کلاهبردار «محتال» نام گرفته است.

از منظر تاریخی در قدیم کلاهبرداری جرم مستقلاً محسوب نمی‌شد بلکه برای مثال در حقوق روم این جرم در کنار سایر جرائم عنوان عامی به نام «فورتوم» داشت که دیگر جرائم علیه اموال مثل سرقت و خیانت در امانت را نیز شامل می‌شد. در سایر کشورهای اروپایی نیز به تبع این قانون کلاهبرداری عنوان مستقلاً نداشت تا این‌که با تصویب قانون جزای سال ۱۸۱۰ فرانسه و به موجب ماده ۴۰۵ این جرم عنوان مستقلاً به خود گرفت.

در کشور ما نیز در سال ۱۳۰۴ به تبعیت از ماده ۴۰۵ فرانسه و در ماده ۲۳۸ ق.م.ع به این جرم اشاره شده بود. همچنین مقنن طی قانون تفسیر ماده ۲۳۸ ق.م.ع مصوب ۱۳۱۴/۱۰/۱۴ توضیح داد که مقصود از توسل به وسایل تقلبی برای بردن مال غیر مذکور در ماده ۲۳۸ ق.م.ع اعم از این است که حيله و تقلب را در خارج اعمال کنند و یا در ضمن جریان امر در ادارات ثبت یا سایر ادارات دولتی یا محاکم و نیز مقصود از جمله «اگر شروع به این کار کرده ولی تمام نکرده باشد» اعم از این است که بر فرض تمام کردن مالی را که مقصود داشته به دست می‌آورده یا به جهاتی به نتیجه مقصود نمی‌رسیده است.

قانون‌گذار در سال ۱۳۵۵ طی قانون اصلاح قانون تشکیل دیوان کیفر و برخی از مواد قانون مجازات عمومی و الحاق چهار ماده به قانون مجازات عمومی تغییراتی در ماده ۲۳۸ ق.م.ع داد. براساس قانون اخیر اولاً حبس به سه سال و ثانیاً جزای نقدی نیز به ده هزار تا صد هزار ریال افزایش یافت. ثالثاً عوامل سه‌گانه تشدید در ماده پیش‌بینی شد و رابعاً عبارت خوردن مال دیگری به بردن مال دیگری بدل گردید.

پس از پیروزی انقلاب کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۲ طی ماده ۱۱۶ به بحث کلاهبرداری اشاره نمود. بر اساس این ماده مجازات کلاهبرداری و شروع به آن علاوه بر حبس، شلاق نیز تعیین شد و همچنین کارمند دولت بودن از عداد عوامل تشدید خارج گردید.

در مدت زمان کوتاهی پس از تصویب قانون فوق به دلیل رشد روزافزون جرم کلاهبرداری و پیدایش چند فقره کلاهبرداری بزرگ توسط شرکت‌های مضاربه‌ای ابتدا در تاریخ ۱۳۶۴/۶/۲۸ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری در مجلس به تصویب رسید لیکن به دلیل ایرادات شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۱۵ با اصلاحاتی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.

علاوه بر این مواد، قانون‌گذار برای مقابله با برخی از مصادیق خاص کلاهبرداری، در قوانین متفرقه جزایی احکام خاصی در کنار حکم عام کلاهبرداری مقرر در ماده ۲۳۸ و اصلاحات بعدی آن پیش‌بینی کرده است.

اشکالات و ابهامات جرایم در حکم کلاهبرداری

با وجود حیطة گسترده جرایم در حکم کلاهبرداری لیکن اشکالات چندی در خصوص این جرایم به چشم می‌خورد که در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم.

۱. fraud

۲. white-collar crime

۱- ابهام در قوانین که مجازات خود را به ماده ۲۳۸ ق.م.ع ارجاع داده اند از این لحاظ که آیا قابل مجازات به وسیله ماده یک قانون تشدید مجازات می‌باشند

قانون‌گذار در قوانین فراوانی جرائم مشابه با کلاهبرداری را از حیث مجازات به کلاهبرداری ملحق نموده است که قبل از ورود به بحث به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌کنند مصوب ۱۳۰۷؛

ب) قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را به عوض مال خود معرفی می‌نمایند مصوب ۱۳۰۸؛

ج) قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰؛

د) قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۳۰۹؛

ه) لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛

و) قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳؛

ز) قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵؛

ح) قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰؛

ط) قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی ایران مصوب ۱۳۶۳؛

ی) قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون اخذ مجوز قانونی دایر شده و می‌شود مصوب ۱۳۷۲؛

ک) قانون اصلاح ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ و الحاق چند ماده به آن مصوب ۱۳۷۶.

قانون‌گذار در این موارد خاص اصولاً دو گونه برخورد داشته است:

اول) از لفظ کلاهبردار یا در حکم کلاهبردار استفاده کرده است مانند ماده ۲ قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌کنند؛

دوم) به ماده ۲۳۸ ق.م.ع اشاره کرده است مثل ماده ۶۹ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران.

حال ابهام و مشکل آن است که در برخورد با این جرایم چگونه باید عمل کرد بدین معنا که با توجه به تغییر عنصر قانونی آیا باز هم می‌توان به ماده ۲۳۸ ق.م.ع تمسک جست؟

در این باره سه دیدگاه مطرح شده است:

الف) برخی از حقوق دانان معتقدند نمی‌توان مواردی را که قانون‌گذار عملی را کلاهبرداری دانسته است ملحق به ماده یک قانون تشدید مجازات نمود؛ زیرا نظر قانون‌گذار فقط تغییر عنصر قانونی و بالتبع افزایش مجازات نسبت به مواردی بوده که عناصر جرم کلاهبرداری را دارند و از سوی دیگر اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری اقتضا دارد که موارد در حکم کلاهبرداری را با توجه به افزایش مجازات ماده یک به این ماده ملحق نسازیم. (حبیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۴۴؛ آزمایش، بی تا: ۱۹؛ رهامی، ۱۳۷۹، ۲۹)

ب) براساس دیدگاه دیگر باید قائل به تفکیک شد و در مواردی که قانون‌گذار به واژه «کلاهبردار» یا «کلاهبرداری» اشاره کرده است در حال حاضر می‌توان مرتکبین را براساس ماده یک که فعلاً عنصر قانونی جرم کلاهبرداری است محکوم نمود لیکن در صورتی که در مواد قانونی مورد بحث به این واژه اشاره نشده باشد و صرفاً به مجازات مقرر در ماده ۲۳۸ ق.م.ع ارجاع صورت گرفته باشد؛ شمول قانون تشدید که مشتمل بر مجازات شدیدتری است، به اعمال مذکور محل شبهه و تردید جدی است. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴: ۱۳۰؛ ولیدی، ۱۳۸۱: ۸۰)

ج) برخی نیز معتقدند نسخ ماده ۲۳۸ ق.م.ع به معنای پایان حیات آن و جایگزینی ماده فعلی است و بین این که گفته شود به مجازات ماده ۲۳۸ محکوم می‌شود یا گفته شود کلاهبردار محسوب می‌شود، تفاوتی نیست. تفسیر مضیق نیز مانند اصول عملیه می‌باشد و تنها در جایی جاری است که اصول لفظیه وجود نداشته باشد. در حالی که با دقت در مفهوم نسخ مشخص می‌شود که دیگر ماده ۲۳۸ ق.م.ع قابلیت استناد ندارد. (زراعت، ۱۳۸۲: ۱۲۱؛ گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۳۵۳)

در این خصوص از سوی دیوان عالی کشور و نیز اداره حقوقی قوه قضائیه آرای صادر شده است. دیوان عالی کشور در رأی بیان داشته است: نظر به این که ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ انتقال دهندگان مال غیر را کلاهبردار محسوب کرده و مجازات کلاهبرداری را در تاریخ تصویب آن قانون، ماده ۲۳۸ ق.م.ع معین نموده بود ... و سپس طبق ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، مجازات کلاهبرداری تشدید و برابر ماده ۸ همان قانون کلیه مقررات مغایر با قانون مزبور لغو گردیده است؛ لذا جرائمی که به موجب قانون کلاهبرداری محسوب شود، از حیث تعیین کیفر مشمول قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ است.^۳

اداره حقوقی نیز به موجب یکی از نظرات مشورتی خود معتقد است که با توجه به کلاهبردار محسوب شدن منتقل کننده مال غیر تمام آثار جرم کلاهبرداری بر بزه انتقال مال غیر نیز بار می‌شود و لذا با تصویب قانون تشدید، بزه انتقال مال غیر مشمول مقررات مربوط به کلاهبرداری در آن قانون به شمار می‌رود.^۴

با ملاحظه آراء اخیر مشخص می‌شود که این آراء و نظرات مختص به مواردی است که قانون‌گذار خود صراحتاً عملی را کلاهبرداری معرفی کرده است اما در سایر موارد مثل قانون راجع به انتقال مال غیر که صرفاً مجازات ماده ۲۳۸ قانون مجازات قابل اعمال دانسته شده است نمی‌توان به این آراء تمسک جست و از سوی دیگر ماده ۲۳۸ ق.م.ع نیز به دلیل نسخ قابلیت اجرا ندارد. به نظر می‌رسد برای حل این معضل بهتر است قانون‌گذار خود صراحتاً تکلیف این موارد را روشن سازد.

۲- ابهام در قابل گذشت یا غیر قابل گذشت بودن جرائم در حکم کلاهبرداری و همچنین سایر قواعدی مثل تخفیف و تعلیق مجازات

^۳. رأی وحدت رویه شماره ۵۹۴ مورخ ۱۳۷۳/۹/۱۱.

^۴. نظریه شماره ۷۲۴۸ مورخ ۱۳۷۳/۱۲/۱۰.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی اظهار داشته است که تنها اثر گذشت مدعی خصوصی آن است که دادگاه می‌تواند در این گونه موارد مجازات مرتکبین جرم کلاهبرداری را عندالاقضا تخفیف دهد؛^۵ حال این نکته قابل توجه است که آیا رأی اخیر به جرائم در حکم کلاهبرداری نیز تسری می‌یابد و این جرائم نیز غیر قابل گذشت می‌باشند؟

اداره حقوقی در رأی بیان داشته است؛ «چون رأی وحدت رویه شماره ۵۲ مورخ ۶۳/۱۱/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور فقط جرم کلاهبرداری را غیر قابل گذشت دانسته و متعرض جرائم در حکم کلاهبرداری نشده است، با توجه به تفسیر به نفع متهم، حکم رأی وحدت رویه مذکور نسبت به جرایم در حکم کلاهبرداری جاری نیست.»^۶

اما اداره مذکور پس از مدتی به خلاف این دیدگاه، نظریه دیگری بدین شرح صادر کرده است:

«در موردی که مجازات قانونی یک جرم صریحاً مشخص نشده بلکه مجازات مقرر برای جرم دیگر احاله شده است، دو نوع عبارت مشاهده می‌شود:

الف-گاهی در قوانین گفته شده است که مرتکب این عمل به مجازات مقرر برای فلان جرم محکوم می‌شود؛

ب - گاهی تصریح شده مثلاً مرتکب این جرم کلاهبردار یا مختلس یا ... محسوب می‌شود.

در مورد اول صرفاً منظور مقنن این است که مجازات مقرر در فلان ماده درباره مرتکب تعیین و اجرا گردد و در مورد دوم، تمام آثار تنظیری بر جرم داخل در حکم آن مترتب می‌شود؛ یعنی وقتی قانون‌گذار می‌گوید مرتکب ثبت ملک غیر کلاهبردار محسوب می‌شود در واقع ارتکاب ثبت ملک غیر را از مصادیق کلاهبرداری معرفی می‌کند و در این صورت باید تمام آثار کلاهبرداری بر آن مترتب شود و این را نمی‌توان با موردی که می‌گوید به مجازات کلاهبرداری محکوم می‌شود یکسان دانست؛ زیرا در مورد اخیر اشتراک در مجازات منظور است و در مورد مشروح بالا دخول در مصادیق و موضوع حکم مراد است. با توجه به مراتب فوق چون ماده یک قانون مجازات انتقال مال غیر تصریح دارد که هر کس مال غیر را با علم به این که مال غیر است به نحوی از انحاء عیناً یا منفعتاً بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند کلاهبردار محسوب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود.»^۷

همچنین اداره حقوقی در رأی دیگری بیان داشته: «باید به نحوه انشاء قانون توجه شود بدین صورت که اگر در قانون گفته شده باشد که مرتکب فلان عمل کلاهبردار محسوب می‌شود، همان طور که در ماده ۱ قانون راجع به انتقال مال غیر آمده است، تمام مقررات کلاهبرداری و من جمله غیر قابل گذشت بودن شامل آن می‌شود، اما اگر فقط مجازات آن عطف بر کلاهبرداری شده باشد در این صورت باید توجه شود که جرم اخیر حق الناس است یا نه؟ چنانچه حق الناس باشد قابل گذشت والا غیر قابل گذشت خواهد بود.»^۸

با امعان نظر به آراء فوق سه دیدگاه قابل طرح است:

الف) اصولاً جرایم در حکم کلاهبرداری قابل گذشت می‌باشد و نمی‌توان رأی وحدت رویه مربوط به کلاهبرداری را به این جرایم تسری داد و تفسیر به نفع متهم قوانین نیز اقتضای چنین برخوردی را دارد.

^۵. رأی وحدت رویه شماره ۵۲ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۱.

^۶. نظریه شماره ۷/۹۹۱۲ مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۸.

^۷. نظریه شماره ۷/۱۲۹۶۴ مورخ ۱۳۷۱/۲/۱۵.

^۸. نظریه شماره ۷/۱۶۵۲ مورخ ۱۳۷۰/۷/۱۰.

ب) در جرایم در حکم کلاهبرداری باید قائل به تفکیک شد؛ بدین معنا که اگر قانون‌گذار صراحتاً عمل را در حکم کلاهبرداری معرفی نموده بود تمام آثار آن جرم از جمله غیر قابل گذشت را شامل می‌شود والا نمی‌توان جرم را غیر قابل گذشت دانست.

ج) براساس دیدگاه دیگر مواردی که قانون‌گذار جرم را در حکم کلاهبرداری دانسته است جرم مورد بحث غیر قابل گذشت است و در غیر این صورت نمی‌توان به طور مطلق آن را قابل گذشت دانست بلکه به ماهیت آن باید توجه نمود، در صورتی که جنبه حق‌الناسی آن اولویت داشته باشد قابل گذشت والا غیر قابل گذشت است.

به نظر می‌رسد هیچ یک از این سه دیدگاه به طور مطلق صحیح نیست؛ زیرا با امعان نظر به قانون مجازات اسلامی و رویه حقوقی متداول در جهان اصل در جرائم عمومی بودن آنها است و قابل گذشت بودن خلاف اصل و نیاز به تصریح مقنن دارد (همان‌گونه که قانون‌گذار در ماده ۷۲۷ ق.م.ا به موارد قابل گذشت اشاره نموده است). پس در مواردی که چنین تصریحی وجود ندارد جرم غیر قابل گذشت می‌باشد، اما در هر حال صدور آراء متفاوت دلیل بر مبهم بودن این موارد است و بهتر است تکلیف این امر با رای وحدت رویه و یا اصلاح قانون روشن شود.

در باب سایر قواعد مثل منع تخفیف و تعلیق مجازات نیز سه دیدگاه مطرح شده است: براساس یک دیدگاه تمام قیود جرم کلاهبرداری بر جرائم در حکم آن نیز بار می‌شود و براساس دیدگاه دیگر قیودی مثل منع تخفیف و تعلیق تنها مختص به کلاهبرداری است و در جرائم در حکم کلاهبرداری، فقط مجازات آن قابل اعمال است و اصل تفسیر مضیق نیز چنین اقتضایی دارد و براساس دیدگاه سوم باید بین مواردی که قانون‌گذار عمل را کلاهبرداری دانسته و موارد غیر آن تمایز قائل شد و فقط در مورد اول است که تمام آثار بر جرم مورد نظر نیز بار می‌شود. به نظر می‌رسد دیدگاه اخیر صحیح است.

نتیجه

در بحث جرایم در حکم کلاهبرداری با تشتت قوانین روبرو هستیم و به دلیل آنکه این قوانین از گذشته وجود داشته تبعا نیاز به اصلاح و تغییر وجود دارد. اما نکته مهم آنکه بهتر است قانون‌گذار تا آنجا که امکان دارد به تجمیع قوانین دست زده و در فصلی از بخش تعزیرات جرم کلاهبرداری و مواد در حکم آن را تجمیع و اقدام به اصلاح ابهامات و اشکالات نماید؛ البته در موارد کاملاً تخصصی باید دقت شود که جابجایی جرایم در حکم کلاهبرداری به سایر مواد خاص آسیب نرساند.

فهرست منابع

۱. آزمایش، ع. (بی تا)، "جزوه جزای اختصاصی (کلاهبرداری)"، ویراستاری نشده.
۲. حبیب‌زاده، م. (۱۳۸۰)، "جرایم علیه اموال و مالکیت"، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم.
۳. رهامی، م. (۱۳۷۹)، "جرائم علیه اموال و مالکیت"، جزوه درسی، مجتمع آموزش عالی قم.
۴. زراعت، ع. (۱۳۸۲)، "شرح قانون مجازات اسلامی"، تهران، نشر ققنوس، چاپ اول.
۵. گلدوزیان، ا. (۱۳۸۴)، "حقوق جزای اختصاصی"، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ یازدهم.
۶. میرمحمدصادقی، ح. (۱۳۸۴)، "جرایم علیه اموال و مالکیت"، تهران، نشر میزان، چاپ دوازدهم.
۷. ولیدی، م. (۱۳۸۱)، "جرایم علیه اموال و مالکیت"، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ اول.